

این فایل از کانال معلم یار چهارم دانلود شده است.
برای حمایت از ما و دریافت نمونه سوالات یا پاسخنامه بیشتر
در تلگرام آی دی زیر را جست و جو کنید

معلم یار چهارم

نمونه سوال با پاسخنامه

درستنامه

فیلم های آموزشی

فیلم حل تعارین کتاب درسی

گام به گام

جزوه

برای دریافت مطالب کافی عضو کانال معلم یار چهارم

به آدرس:

@MoallemYariR4

بشید

ورود به کانال اصلی لمس کنید

در صورت قطع کله اینترنت کشور!

دوباره برمیگردم به سایت معلم یار و مطالب جدید و پایه به پایه تو سایت میفرستم



WwW.MoallemYar.iR



WwW.6Paye.iR

نام و نام خانوادگی:

به نام خدا

تاریخ: ۹۸/۱۰/۵

نام دبیر: خانم بیابانپور

کاربرگ املا آموزشی

پایه: چهارم

پیش دبستان و دبستان غیردولتی دخترانه کوشش



رهایی از قفس

(دختر گلم درس را بخوان سپس کتاب را ببند و جاهای خالی را با توجه به متن درس بنویس)

روزی بود و روزگاری . در شهری ، بازرگانان بود که یک داشت

. طوطی زیبا و شیرین زبان بود . او هر روز با طوطی ، می گفت و

از لذت می برد . بازرگان ، روزی گرفت به سفر

کند. او هر بار که به سفری می رفت ، برای دوستان و هدیه ای می آورد .

بازرگان ، طوطی خود را بسیار می داشت و در این فکر بود که برای او

هم گران بهایی بیاورد؛ اما نمی دانست چه بخرد که طوطی را خوشحال کند . او

هم داد که سلام و را به طوطیان هندوستان برساند. بازرگان ، پس از

چند شبانه روز به هندوستان رسید. در آنجا ، چشمش به از طوطیان افتاد. سلام و

پیغام طوطی اش را به آن ها داد. طوطی ها که پی در پی حرف می زدند و شادی می کردند ، با

شنیدن حرف های بازرگان ساکت ماندند. بازرگان ، چشمش به طوطی ها بود که

ناگهان دید یکی از آن ها به خود لرزید و از بالای درخت افتاد و مرد.